

«حلقات»

درس 4

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای طیبی

مقدمه

در درس گذشته با اقسام دلیل شرعی آگاه شدیم و مرحوم شهید صدر(ره) این أدله را به سه دسته تقسیم کردند؛ دلیل شرعی نص، دلیل شرعی ظاهر، دلیل شرعی مجمل. این درس به بیان برخی از احکام دلیل شرعی مجمل پرداخته و موانع تنجیز حکم دلیل مجمل را بررسی می‌نماید.

فراگیری این درس می‌تواند دانش پژوه را با چگونگی صدور احکام به واسطه دلیل مجمل آشنا کند و اینکه یک دلیل منفصل، چه طور می‌تواند مراد از دلیل مجمل را آشکار کند. درک بهتر این مبحث، نیاز به مطالعه دقیق بحث ارکان تنجیز علم اجمالی در حلقه ثانیه دارد.

متن درس

ما لم يحصل سبب من الخارج يبطل هذا التنجيز، اما بتعيين المراد من المجمل مباشرة، و اما بنفى أحد المحتملين، فانه بضمه إلى المجمل يثبت كون المراد منه المحتمل الآخر، و اما بمجمل آخر مردد بين محتملين، و يعلم بان المراد بالمجملين معاً معنى واحد و ليس هناك الا معنى واحد قابل لهما معاً فيحملان عليه، و اما بقيام دليل على إثبات أحد محتملي المجمل فانه و ان كان لا يكفي لتعيين المراد من المجمل فى حالة عدم التنافى بين المحتملين، و لكنه يوجب سقوط حجية المجمل فى إثبات الجامع و عدم تنجزه، لأن تنجز الجامع بالمجمل انما هو لقاعدة منجزية العلم الإجمالي، و هذه القاعدة لها أركان أربعة و فى مثل الفرض المذكور يختل ركنها الثالث، كما أوضحنا ذلك فى الحلقة السابقة حيث ان أحد المحتملين إذا ثبت بدليل فلا يبقى محذور فى نفى المحتمل الآخر بالأصل العملى المؤمن.

موانع تنجز حکم دلیل مجمل

یادآوری : در درس گذشته بیان شد که دلیل مجمل با وجود مقتضی و فقدان مانع، تکلیف را منجز می‌کند. همچنین در صورتی که بتوان برای دلیل مجمل جامعی مشترک بین تکالیف محتمله تصور کرد، این دلیل واجد مقتضی خواهد شد.

فقدان موانع تنجیز مجمل

از آنجا که تنجز دلیل مجمل نیاز به فقدان موانع دارد، لذا باید موانع را بشناسیم و بدانیم با وجود هر کدام از این موانع، دلیل مجمل منجز نمی‌شود.

مثال پیش فرض : فرض کنید مولا گفته است "جئنی بعین" و عی‌ن، محتمل بین سه معنا (شیر جنگلی، طلا و نقره) است.

اگر مقتضی برای تنجز جامع بین این تکالیف، موجود باشد و مانع نیز مفقود باشد بر مکلف واجب است به گونه‌ای رفتار کند که تمام تکالیف محتمله امتثال شود.

بنابراین در مثال مزبور، مکلف باید هم شیر جنگلی را بیاورد؛ هم طلا را بیاورد و هم نقره را.

نکته: دلیل مجمل به مکلف، علم اجمالی به تکلیف می‌دهد و مکلف برای امتثال این تکلیف معلوم بالاجمال، باید تمام احتمالات و اطراف تکلیف را اتیان کند تا یقین به موافقت با شارع و برائت ذمه پیدا کند.

Sco1: 4:49

موانع تنجز دلیل مجمل

اختلال در یکی از ارکان قاعده
منجزیت علم اجمالی.

تعیین مراد مولی به
وسلیه يك قرینه
منفصله

موانع غیر مباشر
(غیر مستقیم)

موانع مباشر

(مستقیم): مثلاً
مولا بعد از دلیل
محمل، در کلام
دیگری منفصل
بگوید "المرادی من
العین، الأسد" و با
این قرینه مراد
مولا مستقیماً معین
می شود و نیازی
به آوردن هر سه
فعل نیست.

نفي همه احتمالات،
غیر از یکی از
آنها: مثلاً بعد از بیان
دلیل محمل بگوید
من طلا و نقره نمی
خواهم، که به
صورت غیر مستقیم
مرادش متعین در
شیر جنگلی می
شود.

تعیین مراد به وسیله يك دلیل منفصل
محمل: این فرض در جایی است که
می دانیم مولا در هر دو دلیل قصد
بیان يك تکلیف را دارد.

توضیح در ضمن مثال: بعد از بیان دلیل
محمل اول منفصل در ترجمه مرادش می
گوید "برایم شیر بیاور." و شیر در دلیل
محمل دوم مرند بین سه معنا (شیر پاکتی
، شیر آب و شیر جنگل) است، اما از آنجا
که می دانیم مولا قصد بیان يك تکلیف در
هر دو دلیل را دارد و این کلام دوم
ترجمه کلام اول است لذا باید معنایی را
به هر دو محمل نسبت بدهیم که هر دو
را برای ما معنا کند.

نتیجه: پس باید در هر دو محمل شیر
جنگل مراد باشد چون فقط شیر جنگل
است که در عربی "عین" و در فارسی
"شیر" است پس با محمل دوم مراد از
محمل اول تبیین می شود.

Sco2: 19:02

موانع تنجز دليل مجمل

تعيين مراد مولي به وسليه يك
قرينه منفصله

اختلال در يکي از ارکان قاعده
منجزيت علم اجمالي: اگر دليلي از
خارج منفصلا داشته باشيم که اين
دليل بدون اينکه بطور مستقل ناظر به
مجمل باشد يکي از تکاليف محتمله از
مجمل، را بر مکلف متعين مي کند.

مثال : فرض کنيد سيره منتشره بر
و جوب آوردن شير جنگل داشته باشيم،
اين دليل مراد مولا را از "عين" در
"جنتي بعين" مشخص نمي کند ولي
رکن سوم قاعده منجزيت علم اجمالي
را مختل مي کند چون با تنجز تکليف
به آوردن شير بواسطه دليل دوم، شک
مي کنيم ساير تکاليف محتمله دليل اول
(طلا و نقره) بر ما واجب است يا نه؟

نتيجه : مي توان بدون معارض در
ساير اطراف علم اجمالي دليل اول (طلا
و نقره)، اصل برائت را جاري کرد
چون بالاخره يکي از اين احتمالات
دليل اول (شير جنگل) نسبت به
سايرين (طلا و نقره) اين مزيت را دارد
که قابليت اجرای اصل برائت را ندارد
و اجرای اصل برائت در سايرين
ترجيح بلا مرجح نيست.

یادآوری

در حلقه ثانیه ذکر شد که برای تنجز علم اجمالی به چهار رکن نیاز داریم. رکن سوم این بود که فرض به گونه‌ای باشد که اجرای اصول عملیه نافی تکلیف در اطراف علم اجمالی ممکن نباشد چون اجرای اصل برائت در اطراف علم اجمالی، منجر به نفی هر گونه تکلیفی می‌شود که با علم اجمالی به اصل تکلیف سازگار نیست؛ زیرا به وجود تکلیف یقین داریم؛ در این صورت اجرای اصل در هر طرف با اجرای اصل در سایر اطراف معارض است و همچنین اجرای اصل در بعض اطراف دون الآخر ترجیح بلا مرجح است؛ پس نمی‌توان اصل برائت را در هیچ کدام از اطراف علم اجمالی اجرا کرد.

1. در تمامی فرض‌های ذکر شده، به خاطر وجود مانع از تنجیز دلیل مجمل در قدر جامع، دلیل مجمل نمی‌تواند قدر جامع بین تکالیف محتمله را بر مکلف تعیین کند.

2. اگر یکی از اطراف علم اجمالی مختل شد، دلیل خارجی نمی‌تواند مراد مولا را در مجمل تعیین کند، البته این در فیضی است که بین آنچه با این دلیل خارجی اثبات می‌شود و آنچه که مراد مولا در مجمل است، منافاتی نباشد. بر فرض از طرف مولا تکلیفی در یک روز معین داشته باشیم که مردد است بین وجوب روزه و یا وجوب مسافرت. در این حال اگر مفاد دلیل خارجی، وجوب روزه در این روز بود پس مسافرت بر ما واجب نیست؛ چون بین روزه و مسافرت منافات وجود دارد و نمی‌شود هر دو مراد مولا باشد. پس نفی یکی مستلزم اثبات دیگری است. البته این فرض خارج از بحث است، چون این حالت قابلیت تنجیز ندارد و امثال قطعی هر دو ممکن نیست، زیرا دو امر متنافی هستند.

Sco:28:35

1. تنجز دلیل مجمل نیاز به فقدان موانع دارد، لذا باید موانع را بشناسیم و بدانیم وجود هر کدام از این موانع، موجب عدم تنجز دلیل مجمل در قدر جامع می شود.
2. یکی از موانع تنجیز دلیل مجمل، مانع مباشر (مستقیم) است. مانند جایی که مولا بعد از دلیل مجمل، با کلام منفصل دیگری مراد خود را صریح و مستقیم معین بکند.
3. یکی از موانع غیرمباشر (غیر مستقیم)، این است که متکلم در بیان منفصل دیگری، همه احتمالات غیر از یکی از آنها را نفی کند. در این صورت به طور غیر مستقیم مراد متکلم، متعین در احتمال نفی نشده می شود.
4. از دیگر موانع غیرمباشر (غیر مستقیم)، تعیین مراد بوسیله یک دلیل منفصل مجمل دیگر است. در این فرض متکلم به طور منفصل دلیلی مجمل دیگری می آورد که در این دلیل، مجمل دوم یکی از احتمالات دلیل اول واجب است.
5. برای تنجز علم اجمالی به چهار رکن نیاز داریم. رکن سوم این است که فرض بگونه- ای باشد که اجرای اصول عملیه نافی تکلیف، در اطراف علم اجمالی ممکن نباشد.
6. یکی از موانع تنجیز دلیل مجمل، اختلال در یکی از ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی است. بدین صورت که اگر دلیل منفصلی از خارج داشته باشیم، می تواند بدون اینکه بطور مستقل ناظر به مجمل باشد، یکی از تکالیف محتمله را بر مکلف متعین کند .
7. اگر یکی از اطراف علم اجمالی مختل شد، دلیل خارجی نمی تواند مراد مولا را در مجمل تعیین کند، البته این در جایی است که بین آنچه با این دلیل خارجی اثبات می شود و آنچه که مراد مولا در مجمل است، منافاتی وجود نداشته باشد.